روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

یکشنبه ۱ تیر ۱۴۰۴ • ۲۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۶ • ۲۲ ژوئن ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۳۸ • ۸ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۶ • اذان مغرب ۱۹:۴۵ • اذان صبح فردا ۳:۰۳ • طلوع آفتاب ۴:۴۹

در روزهایی که رسانه‌های دشمن به دنبال القای اضطراب، رعب و فروپاشی روانی‌اند، تصاویر واقعی از بازارها و زندگی روزمره مردم نشان می‌دهد که ایران ایستاده است؛ با آرامش، با امید، با لبخند. عکس: امیر خلوصی، ایسنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

میهمانی خانه مادری زیر آتش

این روزها، زندگی‌های معمولی دستخوش تغییرات شده‌اند؛ چه برای آنان که تصمیم گرفتند از تهران و شهرهای بزرگ به روستاها و شهرهای اطراف بروند و چه برای آنان که تصمیم گرفتند در خانه بمانند.

میهمانان سرزده

آنان که به شهرهای اطراف، به خانه‌های مادری و پدری یا به خانه دوستان و آشنایان رفته‌اند، شده‌اند میهمان‌های سرزده. اما در شهرهای کوچک و روستاها مناسبات با شهرها فرق دارد، درِ خانه‌ها گشوده است، زمان به‌سرعت نمی‌گذرد و برای دیدار نیاز به هماهنگی از چند روز پیش نیست. مدام چهره به چهره دیگران هستند، تلفن پشت سر هم زنگ می‌خورد و بازار تعارف برپاست.

اخبار هم تا بخواهد از قیف تنگ محدودیت‌ها بگذرد، طول می‌کشد. در این چند روز میهمانی‌ها برقرار است. کسانی که شاید مدت‌ها وقت نکرده بودند از دنیای پرسرعت کار و زندگی دور شوند، در حال تجربه زندگی متفاوتی هستند.

روی گشاده میزبانان

در شهرهای کوچک و روستاهای محل زندگی، امکانات محدود است، اما منظره‌ها زیباتر است. تعداد کسانی که پای سفره می‌نشینند، بیشتر است. آدم‌های سفرکرده شاید همین چند ماه پیش و برای تعطیلات نوروز در همین خانه میهمان بودند، آن موقع برای استراحت رفته بودند و این بار توفیق اجباری آنان را کشانده است. شاید سال‌ها بوده که در این وقت سال خانه مادری و پدری و زادگاه خود را ندیده بودند. یادشان رفته بود که آب و هوایش چطور است، محصولات‌شان چیست، اصلا معاشرت در غیر تعطیلات چگونه است. شاید هم همیشه این موقع سال و پس از امتحانات فرزندان به این سفر می‌رفتند. فرقش این است که این بار ناگهانی و بدون داشتن سوغاتی راهی این سفر شده‌اند.

موهبت‌های سفر ناگهانی

این سفرها و دور هم نشینی‌ها حال همه را یک‌جوری خوب کرده است، انگار از کنار هم بودن انرژی می‌گیرند. مادرانی که مدت‌ها تنها غذا می‌خوردند، حالا دیگر مجبورند مدام غذا بپزند. سفره‌ها دوباره بزرگ شده و سروصدای بچه‌ها خانه را پر کرده، شب‌بیداری مسافران شهرهای بزرگ، میزبانان را مجبور کرده تا دور هم بیشتر بمانند و بساط خاطره‌گویی و بازدید از فامیل‌ها برپاست. مسافران هم ناگزیرند در کنار سفره شام تلویزیون نگاه کنند. تلویزیونی که شاید سال‌ها در خانه خودشان خاموش بوده است.

متفاوت با دوران کرونا

هر چقدر دوران کرونا قرار بود در تنهایی و عزلت آدم‌ها در خانه خود محبوس شوند، این بار در جمع و در کنار دیگران بودن قرار است منجی‌شان باشد. قرار است در کنار دیگری، در کنار خانواده و فامیل روزگار سپری شود. در دوران کرونا و پس از آغاز قرنطینه انگار زمان کش‌دار شده بود، مانند اکنون؛ اما در آن زمان خانواده‌ها تنها بودند، نگران پدر و مادرشان و افراد سالخورده بودند، احساس می‌کردند حضورشان قرار است برای بزرگ‌تر و عزیزشان مانند ویروسی ویرانگر باشد. اما حالا این‌طور نیست، حالا دیگر قرار نیست از دیگری ترسید. حالا دیگر قرار نیست از فامیل و دوست و آشنا دور شد.

بزم ناگهانی

عده‌ای هم مانده‌اند در شهرهای بزرگ و هر چند ساعت آسمان شب با ضدهوایی‌ها و پهپادهایی نورانی می‌شود.

برخی از جاماندگان اهل دل هستند، اهل تفریح و شادی، اهل میهمانی و دورهمی. در این روزها و شب‌ها همدیگر را دعوت می‌کنند که در کنار همدیگر باشند، انگار فرصتی برای معاشرت به دست آمده است. برای این دور هم نشینی ناگهانی احتیاج به تدارک آن‌چنانی هم نیست، غذای ساده و میوه مختصر و نوشیدنی و تا سحر گفتن و شنیدن کفایت می‌کند.

سایه نگرانی بزرگ

شاید از دور که نگاه کنیم، انگار تعطیلات عید است برای بچه‌ها و حتی بزرگ‌ترها. اما واقعیت پنهان است، این رفتن و سفر به خانه مادری و پدری دست‌کم دو تفاوت بزرگ دارد.

اول اینکه با چاشنی نگرانی برای جاماندگان در شهرها و آینده همراه است. به‌ویژه آنکه با آغاز تهدیدهای امنیتی، دسترسی به اینترنت بین‌المللی در بیشتر نقاط ایران قطع شده است. اطلاع از آنچه در شهر محل زندگی برای خانه و دوستان می‌گذرد، به‌سختی ممکن می‌شود. شاید برخی سال‌ها بود از پیامک استفاده نمی‌کردند و حالا پس از دسترسی محدود به اخبار لحظه‌ای جنگ حال رفقای خود را با پیامک جویا می‌شوند. خبرها به‌سرعت پخش نمی‌شود، گاهی اصلا پخش نمی‌شود. همین محدودیت‌ها نگرانی برای دوستان و آشنایان به‌جامانده را بیشتر و بیشتر می‌کند.

برخی هم با اینکه رفته‌اند، اما کار خود را با دقت از راه دور انجام می‌دهند تا کمترین خللی در روند اداری پیش نیاید.

پناه به دیگری

اکنون و در این ۱۰ روز و پس از شوک اولیه فرهنگ هم‌نشینی و سنت میزبانی در حال نجات‌دادن اعصاب و روان جمعی ایرانیان است. بزرگ‌ترها فعلا به اشک‌ریختن در تنهایی اکتفا می‌کنند و آغوش فامیل و پدر و مادر پناهگاهشان شده است و به سنت و ارتباطات حضوری و واقعی پناه آورده‌اند و پیوندهای فرهنگی فعلا ناجی بسیاری شده است. بچه‌ها هم قرار است در این جمع بزرگ مشغول تجربه‌های جدید شوند.

روایت‌خوانی

وقتی مجریان کودک شجاعانه ترس را پنهان کردند

گیسوفغفوری

آنانی که ناگزیر شده‌اند از تهران یا شهرهای بزرگ دور شوند و به روستاها یا شهرهای حاشیه‌نشین‌تر بروند، امکان ارتباط‌گرفتن و دسترسی به اخبار برایشان بسیار محدود شده است. دسترسی به سایت‌های خارجی، شبکه‌های اجتماعی و حتی به دوستان و آشنایان هم وجود ندارد. آنانی که از مرکز دور شده‌اند دلشان در محل زندگی و کارشان جا مانده است و این دوری سبب شده محدودیت‌های اینترنتی و ارتباطاتی شدیدا به چشمشان بیاید. از طرفی در این گوشه‌های دورتر ایران نحوه مواجهه با خبر متفاوت است، حتی ابزار دسترسی به آن متفاوت است. استفاده از گوگل جای خود را به «ذره‌بین» داده و استفاده از «واتس‌اپ» یا «تلگرام» جای خود را به ایتا و بله داده است. تلویزیون اینجا دیگر وسیله تزئینی نیست و شبانه‌روز روشن است. اهالی زمان سریال‌ها را می‌دانند و پیگیری می‌کنند. اینجا راه ارتباط با اخبار جنگ و اتفاقاتی که در حال رخ‌دادن است، تلویزیون است، حتی حضور عراقچی در ژنو از زیرنویس شبکه خبر می‌گذرد. شاید برای همین است که در این چند روز پس از ۱۵، ۱۶ سال دوباره ناگزیر به دیدن تلویزیون شده‌ام و این روایت این چند روز وقت‌گذرانی با رسانه ملی در روزهای بحران است.

مجریانی که نادیده گرفته شده‌اند

کمتر کسی در این حوالی است که صحنه حمله به صداوسیما و دکلمه سحر امامی و اصابت موشک به شبکه خبر و بازگشت او به اجرا را به طور مستقیم ندیده و تحسین نکرده باشد. اگر هم آن صحنه را در آن لحظه ندیده باشند، حتما در تکرار دیده‌اند. صداوسیما اما هرچقدر در این اسطوره‌سازی موفق عمل کرد، شجاعت گروهی دیگر از همکاران و بازیگران را در شبکه دیگر نادیده گرفت. در همان لحظه‌ها در شبکه پویا با حضور مجریان کودک از جمله احسان مهدی، حامد مدرس و فاطمه امینی برنامه‌ای روی آنتن به طور مستقیم پخش می‌شد. آن یک دقیقه اصابت موشک در شبکه‌های اجتماعی پخش شد. در آن لحظات حمله واکنش مجریان بسیار عالی بود و اجازه ندادند کودکان از این ماجرا باخبر شوند. آنها به‌خوبی این دقایق را مدیریت کردند و برای حفاظت از جان کودکان به موقع خداحافظی کردند. این مجریان بدون هرگونه حرکت اضافه اجازه دادند تا کودکان به دور از نگرانی یا حس ترس با یک خاطره شیرین از حضور در تلویزیون به خانه‌هایشان بروند. اما این مجریان برنامه در هیچ برنامه تلویزیونی مورد تقدیر و تشکر قرار نگرفتند. در هیچ خبرگزاری جز خبرگزاری مهر نامی از این سه مجری برده نشد. البته این توانمندی‌شان در شبکه‌های اجتماعی مورد تشکر و قدردانی قرار گرفت. اما سیاست‌های صداوسیما و مواجهه‌اش با آسیب‌دیدگان اصابت موشک با ساختمان صداوسیما حداقل برای من عجیب است. فردای آن روز در سایت‌های خبری و نه در زیرنویس شبکه خبر دریافتم سه نفر از دست‌اندرکاران شبکه خبر در این برخورد شهید شده‌اند. در حالی که همان ساعت شبکه خبر در حال پخش گزارش دراین‌باره بود، حتی نامی از این شهدا در این مجموعه گزارش‌ها عنوان نشد و از سابقه آنها چیزی گفته نشد. بعدتر دریافتم که یکی از شهدا سردبیر آن بخش خبری بوده است. یکی از شهدا هم راننده نماینده مجلسی بوده که در آن زمان در صداوسیما حضور داشته است. این درحالی بود که صداوسیما در بخش مهم خبری ساعت ۲۱ شبکه خبر نیم‌ساعت از برنامه را به موضوع اصابت موشک به ساختمان صداوسیما اختصاص داد. ابتدا یک گزارش مردمی در محکومیت این اتفاق، بعد یک گزارش از همکاران صداوسیما که هرکدام بیان می‌کردند چه مدت در ساختمان شیشه‌ای مشغول به کار بودند بعد یک گزارش درباره اینکه چگونه این اتفاق افتاد و چرا دوباره ساختمان شیشه‌ای آتش گرفت. حالا چرا نام و یادی از شهدا در این روزها نشده است، حتما سیاست خاصی وجود دارد.

البته برخی اوقات هم گزارش‌های خوبی در شبکه خبر منتشر می‌شود، مثلا درباره برخورد یک موشک با بیمارستان یک گزارش از محل حادثه منتشر و با امدادگران درباره دو مجروح این اتفاق گفت‌وگو شد.

در همین بخش خبری عنوان شد در حال حاضر صداوسیما تبدیل به مرجع خبری بسیاری شده است، شاید برای همین است که بسیاری از خبرها همچون آسیب‌دیدن خانه‌ای در مرزداران یا گیشا یا... اعلام نمی‌شود.

اما یک نکته دیگر نیز در این چند روز معاشرت با صداوسیما و شبکه خبر دریافتم. در شبکه خبر صداوسیما هیچ یادی از ایران و قهرمانان اساطیری‌اش نمی‌شود، هیچ یادی از نام فردی ایرانی در سرودهای متنوعی که گاه و بیگاه پخش می‌شود نیست.

عملکرد شبکه نهال که مخصوص کودکان است از منظر برخی دورماندگان از مرکز موفق است، پخش مدام کارتون‌های خوب و آرام‌بخش برای کودکان در دستور کارشان قرار گرفته است.

۳ بیمارستان

دکتر حسین کرمانپور در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «یک بیمارستان دیگر تهران ۴۵ دقیقه بامداد ۳۰ خرداد ۱۴۰۴ مورد هدف راکتی رژیم صهیونیستی قرار گرفت.

این سومین بیمارستان ایران است که مورد تهاجم قرار می‌گیرد. شش آمبولانس و یک مرکز جامع خدمات سلامت هم تاکنون مورد حمله ددمنشانه دشمن صهیونی قرار گرفته است.

در هفت روز تهاجم ناجوانمردانه، بیش از شش مورد زیر پا گذاشتن کنوانسیون‌های بین‌المللی توسط مدعیان رژیم اشغالگر قدس!».

۲ موزه

ایسنا: در حالی که موزه‌های سراسر کشور از روز جمعه ۲۳ خردادماه با هدف حفاظت از آثار و اموال فرهنگی در شرایط حساس کنونی تعطیل شده‌اند، اما گزارش‌هایی از ادامه فعالیت برخی موزه‌ها و اماکن تاریخی از حمله باغ‌موزه نارنجستان و خانه‌موزه زینت‌الملک در شیراز حکایت دارد. انتقال‌ندادن اشیای این موزه‌ها در این شرایط به مخزنی امن یا باز نگه داشتن برخی از اماکن تاریخی در وضع موجود، نگرانی‌هایی را پیش آورده است و این پرسش به وجود آمده که چرا در راستای تعطیل‌کردن این موزه‌ها یا انتقال اشیا اقدامی نشده است.

۷ روز

طی روزهای گذشته، خدماتی از سوی دستگاه‌های دولتی اعلام شده است. شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ خطاب به مشترکان اعلام کرده است که تا هشت روز آینده قرار نیست مأموری برای برق مراجعه کند. این سازمان اعلام کرده است که برای پیشگیری از هرگونه سوءاستفاده احتمالی، مأموران قرائت کنتور این شرکت طی یک هفته آینده به محل اشتراک‌های برق ملک مراجعه نمی‌کنند. اگر فردی مراجعه کرد، به ۱۱۰ یا ۱۲۱ معرفی شود. شرکت پست تهران نیز اعلام کرده است که بسته‌های پستی افراد مدت‌زمان بیشتری در مراکز خواهد ماند و برگشت زده نمی‌شود تا افرادی که محل زندگی خود را ترک کرده‌اند به منزل برگردند.

اتفاق‌خوانی

شرایط امن کودکان تنها

قرار است در این شرایط بحرانی کودکان تحت سرپرستی بهزیستی واگذار شوند. همان روزهای اول اعلام شده است که شیرخوارگاه آمنه جابه‌جا شده است. قرار است این کودکان با تصمیمات کارگروه استانی و اخذ حکم و دستور قضائی به خانواده‌ها واگذار شوند و مراکز مراقبت کودکان تحت سرپرستی بهزیستی با توجه به شرایط جنگی در مناطق حساس، جابه‌جا می‌شوند. همچنین تمام کودکان و نوجوانان که شرایط ورود به خانواده زیستی یا جایگزین را دارند به خانواده‌های واجد شرایط و سایر کودکان واجد شرایط در قالب طرح میزبان به صورت موقت به خانواده‌های متقاضی واگذار می‌شوند. البته اعلام شده است که هرچند این روند تسریع می‌شود، اما قرار است طبق پروتکل‌هایی این اتفاق رخ دهد. قرار نیست مصائبی همچون اتفاقی که برای یکی از این دخترها در شهر کوچکی رخ داد دوباره تکرار شود و سلامت این کودکان بی‌پناه در معرض آسیب قرار گیرد. این تأکید اهمیت بسیاری دارد؛ چراکه در شبکه‌های اجتماعی مطرح شده که قرار است فرزندان مستقر در شیرخوارگاه آمنه به‌سرعت واگذار شوند. در حالی که این موضوع به‌سرعت تکذیب و اعلام شد هیچ فراخوانی در این زمینه منتشر نشده است و وضعیت خدمت‌رسانی در شیرخوارگاه‌های استان تهران در وضعیت پایدار است. همچنین تأکید شده است که واگذاری فرزندان تحت هر عنوان فرزندخواندگی اعم از فرزندخواندگی دائمی و موقت در شیرخوارگاه‌ها با طی مراحل قانونی و از طریق ثبت‌نام در سامانه ملی فرزندخواندگی و طی مراحل بررسی صلاحیت‌های افراد متقاضی و با رأی مرجع قضائی انجام می‌گیرد.

۱۴۸۰ شبانه‌روزی شد

خط ۱۴۸۰ سازمان بهزیستی در حال حاضر به صورت شبانه‌روزی آماده ارائه خدمات است. هرکسی که در این شرایط احساس می‌کند نیاز دارد از مشاوره‌های روان‌شناختی استفاده کند یا در مسیر راهنمایی برای خودش، فرزندش یا همسرش به کمکی نیاز دارد، می‌تواند با خط ۱۴۸۰ تماس بگیرد. در استان‌ها هم اعلام شده است که مجددا و به شکل شبانه‌روزی فعال باشند تا شهروندان بتوانند در هر ساعت از شبانه‌روز تماس بگیرند و خدمات لازم را دریافت کنند. شاید از این طریق افراد بتوانند با مدیریت احساسات، اضطراب خود را کاهش دهند و مهارت‌های مقابله‌ای‌شان را تقویت کنند.

روزخوانی

امروز طولانی‌ترین روز سال است

انقلاب تابستانی امروز یکشنبه اول تیر اتفاق می‌افتد و این روز به عنوان طولانی‌ترین روز سال در نیم‌کره شمالی شناخته می‌شود. این پدیده به عنوان آغاز فصل تابستان در ایران، اروپا، آمریکا و... معمولا در تاریخ‌های ۲۰ یا ۲۱ ژوئن (۳۰ یا ۳۱ خرداد) رخ می‌دهد. این پدیده نجومی لحظه‌ای در گردش زمین به دور خورشید است که خورشید در نیم‌کره شمالی به بیشترین ارتفاع خود در آسمان ظهر می‌رسد و در نتیجه طولانی‌ترین روز سال و کوتاه‌ترین شب سال را رقم می‌زند. خورشید در هنگام ظهر، در بالاترین نقطه آسمان قرار دارد و زاویه تابش خورشید عمودتر از هر زمان دیگری در سال می‌شود، در بسیاری از فرهنگ‌ها، جشن‌ها و آیین‌هایی برای بزرگداشت این روز برگزار می‌شد که از آن جمله می‌توان به جشن تیرگان در ایران باستان (که به آب‌پاشی و نیایش برای باران مشهور است) و جشن سان‌استند در فرهنگ‌های اروپایی که با گردهمایی در مکان‌هایی مثل استون‌هنج در اسکاندیناوی و کشورهای بالتیک، همراه است، جشن نیمه تابستان برگزار می‌شود.

وطن‌خوانی

وای بر ساکنان بی‌گناه سرزمین من

جوادکاشی
جامعه‌شناس

داوری درست و منصفانه راه را روشن می‌کند. هنگامی که سخن از اسرائیل است، نه‌فقط به نام ایران، بلکه به نام مردمان این منطقه، حتی به نام همه وجدان‌های پاک انسانی در سراسر جهان، باید ایستاد و فریاد زد: اگر قرار بر بقای این رژیم است، باید امکاناتی برای مهار آن هم فراهم شود. همه آنها که اسرائیل را یک استثنا در عرصه جهانی کرده‌اند و هرچه را بر دیگران حرام است، برای او حلال شمرده‌اند، در جنایت‌های وحشتناک این نظام وحشی شراکت دارند.

وای بر ساکنان بی‌گناه سرزمین ایران! ۴۵ سال است لحظاتی تاریخی را یک به یک تجربه می‌کنند و همواره در پیچ‌های تاریخ زیسته‌اند. امروز حقیقتا لحظه حساس تاریخی است، راهی جز مقاومت در مقابل تجاوز اسرائیل به خاک میهن ما نیست. اما تنها یک شکل از مقاومت، موشک و بمب است. مقاومت اشکال پیچیده‌ای دارد. هر آنچه این کشور را از این پیچ مخاطره‌آمیز برهاند، فرم مؤثر و معنادار مقاومت است. فقط میزان ویرانی‌های تل‌آویو و حیفا نشانگر مقاومت مؤثر نیست. شرایط امروز بازیگر پیچیده و هوشمندی را می‌طلبد که خطوط ناهمساز و متعددی را پی بگیرد و سرانجام با کمترین هزینه امکان رهایی از لحظه‌های کشنده را فراهم کند.

هرچه بر این دیار گذشت، گذشت. متولیان این کشور امروز باید نهایت هوشمندی را از خود نشان دهند. سیاست عرصه جمعی و عمومی است. هوشمندی جز با مشارکت همگان امکان‌پذیر نیست. امکان خلق همبستگی معنادار سیاسی را با گشودن فضا برای مشارکت همه دلسوزان این وطن فراهم کنید. بگذارید همه کسانی که دل‌نگران این سرزمین و آینده آن هستند، در میدان حاضر شوند.

داوری سخت است. یکی از سیستم زخم دیده و منتظر موفقیت‌های نتانیاهو است. دیگری جانبدار نظام است و با خشم به اوضاع می‌نگرد و از نظام پاسخ‌های هرچه کوبنده‌تر انتظار دارد.

نمی‌توان داوری نکرد. در این منازعه وسطی وجود ندارد که بایستیم و ندانم‌گویان سکوت کنیم. باید فاصله گرفت. برای آنکه داوری ممکن شود، فراموش کنیم کیستیم و در چه موضع سیاسی ایستاده‌ایم، آنگاه امکان داوری پیدا می‌کنیم.

۸۰ سال پیش اسرائیل با تمهید قدرت‌های بزرگ آن روز جهان شکل گرفت. ۸۰ سال است به راست یا دروغ احساس خطر موجودیت می‌کند، نه‌فقط به خاطر آنکه کسانی در مقابلش مقاومت کرده‌اند، به این دلیل که اساسا در این منطقه به نحوی مجعول برآمده است. بسیاری دیگر از نظام‌های سیاسی جهان مجعول‌اند، اما برای طبیعی‌شدن و بقای تاریخی، مسیرهای متعدد و معقولی طی کرده‌اند. این نظام در این ۸۰ سال یک کشور دوست در منطقه ندارد. برای حراست از خود و طبیعی‌شدن ۸۰ سال است می‌جنگد، خون می‌ریزد، ویران می‌کند، مثل یک غول خون‌خوار جنایت‌های وحشتناک می‌کند. این‌همه را با حمایت همان‌ها می‌کند که تأسیسش کرده‌اند، در این ۸۰ سال جز جنگ و فریب و خشونت نیاموخته است، زنگی مست خون‌خوار است و البته لوس قدرت‌های برتر جهان.

همزاد جنگ و خشونت و طرد دیگری، حس تحقیر و سرکوب‌شدگی است. اسرائیل موجودیت خود را در گسترش قلمرو سیاسی می‌یابد. پس هر روز به نحوی تازه احساس ترس و تحقیر در مردمان این منطقه خلق می‌کند. با موجودیت خود امکان زندگی متعارف سیاسی را از مردمان گرفته است. بقای آن ممکن نیست، مگر آنکه کشورهای این منطقه در امان نباشند. ما امروز قربانی میدانی هستیم که موجودیت اسرائیل در این منطقه فراهم کرده است. حتی زخم‌هایی که در درون متحمل می‌شویم با این شر تاریخی نسبتی وثیق دارد. ممکن است بهانه‌هایی برای تجاوز اسرائیل فراهم شده باشد، اما داستان از ماجرای انرژی هسته‌ای ایران آغاز نشده است. داستان قدیمی‌تر از این حرف‌هاست. ماجرا را باید از سرآغاز واقعی آن روایت کرد. یکی در دنیای امروز نمی‌پرسد این موجودیت مجعول را چگونه باید مهار و رام کرد؟ همه در این منطقه، حتی در سطح جهان، حتی در دانشگاه‌های آمریکا باید تنبیه و مجازات شوند، نکند مردمان این سرزمین کوچک آب در دلشان تکان بخورد. دنیای ستمکاری است.

***این متن در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است**